

روش‌شناسی سیدمر ترضی عسکری در نقد تاریخی روایات

فاطمه کسرائی^۱

مجید معارف^۲، ملیحه‌السادات سیدرضادولابی^۳

دریافت: ۲۲/۸/۱۳۹۹، پذیرش: ۱۸/۱۱/۱۳۹۹، صفحه ۹۳ تا ۱۱۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

مرتضی عسکری (۱۳۸۶-۱۲۹۳ش) که در ایران اغلب با عنوان «علامه عسکری» شناخته می‌شود از ناقدان حدیث در دوران معاصر است. وی با رویکرد نقدی به فهم و پاکسازی روایات در عرصه‌های متعددی مانند سیره، رجال، کلام و علوم قرآنی همت گماشت. بدین منظور از معیارهایی که حدیث‌پژوهان برای شناخت روایات سره از ناسره تعیین نمودند خاصه ملاک تاریخ بهره فراوان برد. با تأمل بر آثار وی به دست می‌آید که روش او ناظر بر نقد سند و متن احادیث به صورت توأمان است. به طوری که در نقد بیرونی که با محوریت راوی به آن پرداخته به مؤلفه‌هایی چون بررسی امکان حضور و سماع راوی از نظر تاریخی توجه داشته است، سنجش وثاقت راوی و شخصیت‌شناسی وی و تمایلات فرقه‌ای از دیگر مواردی است که در نقد روایات به آن دقت نموده است. در نقد بیرونی با محوریت کتاب به بررسی وثاقت مؤلف و نسبت اثر به او، همزمان با تحقیق در صحت و سقم مطالب کتاب و نیز سلامت کتاب از جهت وحدت یا اختلاف نسخ دقت نمود. نقد درونی روایات با استفاده از ملاک تاریخ بررسی توافقی روایات با حوادث مسلم تاریخ، توجه به تثبیت متن از جهاتی چون تخلیط یا تقطیع‌های عمدی هم‌چنین سنجش متن روایات با سیر تاریخ پیدایش فرق و عقاید گام دیگری است که عسکری در نقد تاریخی روایات پیموده است.

کلید واژه‌ها: علامه عسکری، نقد متن، نقد درونی و بیرونی، احادیث جعلی، اعتبارسنجی، تاریخ.

shkasraemail@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری علوم حدیث، دانشکده اصول دین، تهران، ایران.

maaref@ut.ac.ir

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

seyyedreza@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم حدیث، دانشکده اصول دین، تهران، ایران.

درآمد

وجود روایات متضاد و گاه مخالف با آیات قرآن و حتی به دور از موازین علم و عقل که دستاویزی برای دشمنان اسلام گردیده بود، علماء را بر آن داشت تا برای دستیابی به علت این اختلافات و رفع آن‌ها اقدام نمایند. از جمله این دانشمندان مرتضی عسکری است که از همان آغاز طلبگی به مطالعه کتاب‌های سیره و تاریخ زندگی پیامبر و اصحاب و فتنه‌های صدر اسلام علاقه داشت. همو در طی تحقیقات خود در روایات صدراسلام دریافت، تعدد نکات متعارض برخی روایات با تاریخ معتبر، به حدی است که از اعتبار حدیث می‌کاهد و حتی می‌توان حکم به ساختگی بودن آن‌ها داد. از این‌رو، بر آن شد تا با استفاده از منابع تاریخی دست اول به نقد و پاکسازی روایات بپردازد (ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۶ش، ۷۵-۷۶). پس با مراجعه به کتاب‌های تاریخی متقدمین به دست‌بندی و تحلیل احادیث پرداخت و در صدد یافتن پاسخ این سؤال بود که چرا و چگونه در احادیث اختلافی در میان دو مکتب اهل بیت (ع) و خلفا به‌وجود آمده است.

وی در نقد تاریخی روایات دو عامل را بسترساز مطالعات تاریخی خویش بیان نمود. یک عامل این بود که علاقه شدیدی به شناخت عمیق از زندگی پیامبر (ص) و صحابه ایشان داشت. به طوری که در مقدمه کتاب خود عبد الله بن سبأ خداوند را شاهد گرفته، آنچه ایشان را به این گونه بررسی‌ها و تحقیقات وادار کرده، علاقه‌اش به شناخت زندگانی پیامبر و یارانش از دوره نوجوانی بوده است و این که اسلام را بشناسد و بداند که چگونه شروع شده و چگونه انتشار یافته و قدرت گرفته است. از همین رو بیش‌تر عمرش را در این راه بسر آورد (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۸/ ۲۸).

عامل دیگر آن بود که پس از مطالعات و مراجعات مکرر به کتاب *وسائل الشیعه*، روایات آن را اغلب نقل اقوال پیامبر و اهل‌بیت (ع) یافت، در حالی که سنت اعم از قول، فعل و تقریر معصوم است. با لحاظ قرار دادن این موضوع که در این کتاب و اغلب کتاب‌های فقهی به بیان سنت قولی اکتفا شده است، اندیشید که این روایات تنها بخشی از سنت‌های صادره و به جای مانده است. پس تصمیم گرفت برای دستیابی به سیره و سنت عملی اهل‌عصمت اقدام نماید تا دلایل مستقل فراوان و قرائن زیادی برای فهم سنت قولی به دست آورد و کتابی مانند *مستدرک الوسائل* از سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌هدی (ع) تألیف نماید. بدین‌روی به منظور نگارش یک فقه استدلالی بر مبنای روایات و سیره نبوی اقدام به جمع روایات کرد و با خود چنین اندیشید که در سنت عملی پیامبر اکرم

(ص) در میان فرق اسلامی اختلافی وجود ندارد، پس بهتر است در سیره پیامبر به همه منابع اولیه اهل اسلام مراجعه نماید و اسم کتابش راهم چون یک پرچم وحدت «لواءالوحدة» بگذارد (ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۶ش، ۹۴). مطالعه آثار وی روش او در نقد روایات را به ما بازشناساند.

طرح مسئله

بازشناسی روایات هم‌چون دومین منبع شناخت دستورات دین همواره مورد توجه عالمان و حدیث‌پژوهان قرار گرفته است. عسکری با رویکردی انتقادی به بررسی سند و متن روایات پرداخت و با توجه به آن‌که تاریخ معتبر، رخداد‌های گذشته را صادقانه گزارش می‌کند و حدیث هرگاه مبین وقایع خارجی باشد، نمی‌تواند با اطلاعات تاریخی قطعی در تعارض قرار گیرد، وی را بر آن داشت تا از معیار تاریخ هم‌چون یکی از ملاک‌های سنجش صحت روایات بهره‌های وافر برد. به منظور نقد روایات چگونگی رویارویی با روایات تحریف شده را به سه شکل فرض نمود؛ اول آن‌که به دلیل جعلی بودن برخی از روایات تنها به قرآن اکتفا گردد و احادیث کنار گذاشته شود. نتیجه چنین اقدامی از دست دادن روایاتی است که هم‌چون شارح و مفسر قرآن و تبیین‌کننده مجملات نقش ایفا می‌کنند. پیامد این بی‌توجهی به حدیث موجب اشتباه در فهم قرآن و در نهایت ترک اسلام می‌شود.

راه دوم این است که کتاب‌هایی که تحریفات در آن‌ها وارد شده، به دلیل آن‌که اکثریت مسلمین به آن‌ها اطمینان داشته‌اند و بر صحت مطالب‌شان ایمان دارند، تمامی روایاتش چشم بسته به دیده قبول پذیرفته شود که در نتیجه اعتباربخشی به این کتاب‌ها تحریف جای صحیح پذیرفته می‌شود. این راه نیز همان پیامد قسمت اول را بدنبال خواهد داشت.

راه سوم این است که با توجه به جایگاه و نقش ویژه حدیث به پاکسازی اخبار از جعلیات و تحریفات اقدام شود که قطعاً با تلاش‌هایی همراه است. در این راه لازم است به بحث و نقد کتاب‌های حدیث، سیره، تاریخ، رجال هم از نظر سند و هم از نظر متن و محتوا با همانندشان پرداخته شود تا بتوان نتایج چنان تحقیقاتی را که براساس موازین علمی حاصل شده، پذیرفت. عسکری راه سوم را برگزید و در مسیر بحث و انتقاد و انتخاب صحیح علمی روایات قدم گذاشت (عسکری، ۱۳۷۸ش، ۳/۵۳).

پایه‌های فکری وی در نقد و تحلیل احادیث روشمند و قابل دقت است. از این رو، در این مقاله

سعی بر آن شد تا روش نقد تاریخی وی مورد مطالعه و کشف قرارگیرد تا بدین سؤالها پاسخ داده شود که اولاً، به چه میزان می‌توان از معیار تاریخ در نقد روایات بهره برد و وثاقت مورخ و راوی در اشاعه تاریخ و روایت صحیح چه تأثیری دارد؛ ثانیاً، چگونه تاریخ می‌تواند در نقد سند روایت مؤثر بوده و علاوه بر توجه به کتاب‌های رجالی، وثاقت راوی را مورد سنجش قرار دهد؛ ثالثاً، چه ارتباطی بین صحت انتقال تاریخ و تعصبات فرقه‌ای و مذهبی راوی وجود دارد؛ رابعاً چگونه دقت در تحول معنای واژگان در طول تاریخ در فهم حدیث مؤثر است.

شایان ذکر است که این مقاله از منظر یاد شده فاقد پیشینه‌ای مشابه در موضوع خود است. مقالاتی با عناوین «روش‌شناسی آرای حدیثی علامه عسکری در بوتۀ سنجش با تأکید بر معالم المدرستین» از علی راد و مهدی مردانی با محوریت کتاب *معالم المدرستین* مبانی و روش‌های حدیث‌پژوهی علامه عسکری را تحلیل و بررسی نموده است و «علامه سیدمرتضی عسکری و نقد متون تاریخ اسلام» از رمضان محمدی که در این مقاله به روش عسکری در توجه به منابع کهن، استفاده از آمار، روشن ساختن منابع نقل یک خبر، استفاده از آراء دانشمندان دیگر، تطبیق حوادث با آیات پرداخته است.

پایان‌نامه *تاریخ‌نگاری علامه سیدمرتضی عسکری* از علی گلریز دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام دانشگاه تهران به راهنمایی رسول جعفریان است که در آن به روش نقد قرآنی و روایی عسکری در بررسی احادیث منتسب به عائشه، سیف بن عمر و دیگر راویان اشاره نموده است. پایان‌نامه *روش‌شناسی علامه عسکری در نقد روایات خلفا* از سکینه تقیان‌پور دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان به راهنمایی محسن قاسم‌پور است که به بررسی روند شکل‌گیری جریان تحریف تاریخ اسلام از دیدگاه عسکری پرداخته است و عواملی مانند تشتت علایق سیاسی و قومی در زمان پیامبر و پس از وفات آنحضرت (ص) اشاره می‌نماید و نیز پایان‌نامه *جایگاه نقد حدیث و روش‌شناسی آن در آثار علامه سیدمرتضی عسکری* از فاطمه کسرائی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده اصول‌الدین به راهنمایی مجید معارف است که در آن انواع روش‌های نقد حدیث را در آثار عسکری به اختصار مورد بررسی قرار داده است.

۱. نقد بیرونی با محوریت راوی

تأمل در راویان حدیث نزد محدثان یکی از مهم‌ترین راه‌های ارزیابی حدیث بوده است. حدیث‌پژوهان با توجه به مفهوم آیهٔ نبأقرآن را پایه‌گذار این اصل دانسته‌اند (عتر، ۱۴۱۲ق، ۵۱). از این رو، یکی از اقدامات علماء در سنجش صحت روایت، نقد بیرونی حدیث یعنی نقد سند حدیث است خواه کیفیت سند از جهت اتصال و انقطاع مدنظر باشد که علم درایه عهده‌دار آن است یا اجزاء سند و راویان آن که مربوط به علم‌رجال است (سلیمانی، ۱۳۸۵ش، ۵۲).

عسکری در بررسی احادیث موجود در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت (گرچه برخی از جوامع حدیثی اهل سنت به صحیح نامگذاری شده‌اند) سند آن‌ها را مورد مذاقهٔ خویش قرار داد و بر قواعد درایه‌الحدیث و رجال عرضه نمود. وی گفته‌های اهل حدیث و علماء رجال را در تضعیف و توثیق راوی چشم بسته نپذیرفت، بلکه خود به وادی سنجش صحت و سقم راویان قدم نهاد تا دریابد راوی موردنظر و روایاتش در خور اعتنا و اعتماد به نظر می‌رسد یا خیر. در این قسمت با ذکر نمونه‌هایی از تألیفات وی به موارد زیر اشاره می‌شود.

الف) بررسی امکان حضور و سماع راوی

یکی از مواردی که در دستیابی به صحت اخبار مورد دقت علماء قرار گرفته است توجه به فاصله زمانی و مکانی راوی با گزارش تاریخی است که می‌تواند در چگونگی رویارویی ما با روایت و نقد آن تعیین کننده باشد.

حضور راوی هم‌چون شاهد عینی یا فاصله زمانی او با روایت در قضاوت ما نسبت به میزان اشراف وی به روایت مؤثر است؛ زیرا یک حادثهٔ تاریخی جز به وسیلهٔ کسی که شاهد آن بوده است قابل نقل و اعتماد نیست. از سویی یکی از انواع حدیث معلل، اتصال ظاهری سند روایت است به گونه‌ای که عدم توجه به این عیب پنهانی موجب قرارگرفتن روایت در شمار احادیث صحیح می‌گردد. از این رو، سید مرتضی عسکری بر آن شد تا با بررسی دقیق تاریخ ولادت و وفیات راویان، امکان سماع روایت را بررسی نماید.

وی به موارد متعددی برخورد نمود که راوی، گزارشگر روایتی قبل از ولادتش یا پس از مرگش بوده، در نتیجه امکان سماع آن را نداشته است در حالی که در ظاهر ادعای سماع دارد. به این ترتیب چنین روایتی در صورتی که به نقل مستقیم آن راوی منتهی شود در شمار روایت‌های مرسل خواهد بود. برای نمونه، در بررسی سند روایات نخستین نزول وحی آن را از قول عائشه،

ابن عباس، عروة بن زبیر، عبدالله بن شداد، عبید بن عمیر لیثی به ترتیب در کتاب‌های صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد، تفسیر طبری، تفسیر قرطبی، تفسیر ابن کثیر، تفسیر سیوطی، سیره ابن هشام و تاریخ طبری یافت که با تتبع در سال‌شمار زندگی آن‌ها، گزارش تمام روایان مذکور را به دلیل ولادت آن‌ها پس از حادثه یا نوزاد بودن آن‌ها در زمان حادثه غیرممکن اعلام نمود (عسکری، ۱۴۱۸ق، ۲/ ۲۴۸-۲۵۴).

سید مرتضی عسکری بر پایه منابع فوق از قول عائشه روایتی بدون واسطه از حادثه آن شب نقل نموده که عائشه گفت: آغاز وحی به رسول خدا (ص) همراه با رؤیای صالحه بود. سپس خلوت گزیدن محبوب او شد و در غار حراء به عبادت می‌پرداخت، ... تا آن‌که حق در غار حراء بر او نازل گردید و آن فرشته نزد او آمد و گفت: بخوان.. پیامبر اکرم (ص) آیات را تکرار می‌کرد و دلش می‌لرزید. پس نزد خدیجه بنت خویلد آمد... او را از ماجرا با خبر ساخت و گفت: من بر خود ترسیدم!.. خدیجه او را نزد ورقة بن نوفل پسرعموی خود برد. او مردی بود که در دوران جاهلیت نصرانی بود.. او گفت: این همان ناموسی است که بر موسی نازل گردید (عسکری، ۱۴۱۸ق، ۴/ ۲۸۵ به نقل از بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۳) مطابق آنچه در روایت مذکور آمده پیامبر در اولین مرحله دریافت وحی الهی از جبرئیل، دچار تردید شد که مبادا مبدأ وحی شیطانی باشد تا آن‌گاه که ورقة بن نوفل نصرانی اطمینانش داد و باورش بخشید که پیامبر شده است (عسکری، ۱۳۷۸ش، ۱/ ۳۷۲).

عسکری با تحقیق پیرامون زمان ولادت عائشه به این نتیجه رسید که وی در یکی از سال‌های چهارم یا پنجم یا ششم بعد از بعثت دنیا آمده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ۷/ ۱۸۹) پس چگونه می‌تواند شاهد و گزارشگر مستقیم حادثه‌ای قبل از ولادتش باشد. طی تحقیقات عسکری سایر روایان نیز وضعیتی مشابه داشتند و چون هیچ‌کدام از ناقلان اولیه حدیث زمان حادثه را درک نکرده‌اند پس نمی‌توانند هم‌چون یک شاهد عینی باشند. وی برای میرا کردن ساحت برخی از این روایان احتمال داد که پاره‌ای از جعّالان بر اساس یک توطئه حساب‌شده اینگونه روایات را ساخته و به چنین روایانی نسبت داده‌اند (عسکری، ۱۳۷۵ش - ب، ۱/ ۳۰۰-۳۰۶).

عسکری در تتبعات خویش گاه به روایاتی برمی‌خورد که در سند این روایات فاصله زمانی میان راوی و مروی‌عنه مانع ملاقات آن‌ها می‌شد. برای نمونه، در بررسی روایات نسخ متعه گزارشی از حکم بن عتیبه به نقل از ابن مسعود مشاهده کرد مبنی بر آن‌که ابن مسعود گفته است

متعه منسوخ شده، طلاق و مهریه و عده و میراث آن نیز نسخ گردیده است. عسکری با بررسی سال‌شمار زندگی راوی و مروی‌عنه به این نتیجه رسید که حکم بن عتبه نمی‌تواند ابن‌مسعود را ملاقات کرده باشد چرا که طبق بررسی‌های او، حکم در سال ۱۱۳ق یا بعد آن از دنیا رفته، و طبق کتب رجالی (نک: ابن‌حجر، ۱۴۰۶ق - الف، ۱/ ۱۹۲، ۴۵۹) تنها شصت و چند سال عمر داشته، درحالی که ابن‌مسعود در سال ۳۲ق وفات یافته است (عسکری، ۱۳۷۷ش - الف، / ۳۹۰).

ب) بررسی وثاقت راوی

از آن‌جا که معرفت رجال سند و راویان اخبار بسترساز شناخت میزان ارزش روایات است و از میان اوصاف راوی، صداقت وی در انتقال حدیث، موجب اعتماد به خبر می‌شود پس علماء و مورخان بر آن شدند تا در نقد سندی روایات به دو گونه عمل نمایند؛ برخی اعتماد کامل به گزارش‌های کتاب‌های رجالی داشته و عده‌ای دیگر به دریافت‌های علماء رجال مراجعه نکرده بلکه خود به مطالعه تاریخ و واریسی سخنان راوی پرداختند. از رهگذر مطالعه تألیفات عسکری می‌توان روش وی را در دستیابی به وثاقت راوی تلفیقی از هر دو وجه یافت.

وی در بررسی سند روایات بر پایه‌ی وجه اول بر مبنای سنجش وثاقت راوی از نظر قواعد رجالی ابتدا به کتاب‌های علماء رجال مراجعه کرد تا درباره‌ی قوت و ضعف حدیث و صحت و وثوق راوی نظر علماء را دریابد (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۱/ ۷۰). برای نمونه در ارزیابی سند روایتی که در آن راوی به نام مؤمل بن اسماعیل ابو‌عبدالرحمان عدوی بود، به کتاب *تهذیب‌التهذیب* مراجعه کرد و دریافت که از نظر بخاری راوی مذکور منکر و ناشناخته است (عسکری، ۱۳۷۷ش - الف، ۳۸۸ به نقل از ابن‌حجر، قس: ابن‌حجر، ۱۳۲۵ق - ب، ۱۹/ ۳۸۰-۳۸۱).

دست‌آورد این بررسی‌های موشکافانه در طول زمان علاوه بر شناسایی میزان وثاقت راویان منجر به کشف ساختگی بودن اصحابی شد که هیچ رجال‌شناس و شرح‌حال‌نویس و هیچ مورخ و حدیث‌شناسی نامی از این افراد نبرده‌اند. برای نمونه، در سند روایتی نام زیاد بن سرجس احمری است که طی تتبعات عسکری در هیچ کتاب رجال نام و نشانی از او نیست با این که نام وی در سند ۵۳ روایت در کتاب طبری آمده است (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۳/ ۶۵۸). از این‌رو، با تألیف کتاب‌های *عبداللہ بن سبأ* و *خمسون مائة صحابی مختلق* به مسئله نقد سند روایات به‌طور دقیق و فراگیر پرداخت و به حقیقت ساختگی بودن تعداد زیادی از اصحاب پیامبر (ص) دست یافت که از چشم بسیاری از علماء پنهان مانده بود در حالی که جزو اصحاب پیامبر (ص) شناخته

شده بودند.

وجه دوم آن که وی در کشف میزان وثاقت راوی به منابع رجالی اکتفا نکرد بلکه علاوه بر دقت در کتاب‌های متعدد رجالی، خود به مطالعه تاریخ پرداخت و به صحنه سنجش صداقت راوی وارد شد و با تشکیل خانواده حدیث به مقایسه روایات راوی با روایت‌های دیگران پرداخت و با بررسی مطابقت یا عدم مطابقت روایت با تاریخ قطعی به وثاقت یا عدم وثاقت راوی دست یافت (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۲/۳۵۳). برای نمونه در تحقیقات خود پیرامون سیف بن عمر علاوه بر توجه به آراء علماء رجال که بر کذاب بودن وی اتفاق نظر دارند (ذهبی، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۹۲) به مقایسه روایات او با سایر گزارش‌های تاریخی پرداخت و در طی این تتبعات دریافت که سیف اشخاصی را در خیال خویش آفریده و با یکی از نام‌های افراد معروف نام‌گذاری کرده و در موقع حدیث‌سازی آن‌ها را استخدام کرده و به نام آنان حدیث‌های فراوان و داستان‌های متعدد ساخته است که در پی این اقدام و سوءاستفاده از نام‌های معاریف و صحابه‌های معروف پیامبر حقایق و مطالبی مربوط به صحابه در طول قرن‌ها برای دانشمندان گنگ و پیچیده گردیده و ناشناخته مانده است. از این رو، پس از تتبع فراوان در روایات هم‌خانواده، نظر عالمان رجال درباره سیف بن عمر را تأیید نمود و نوشت که دانشمندان علم رجال راست گفته‌اند که سیف دروغ‌گو و دروغ‌پرداز بوده است (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۱/۳۱۱).

پ) بررسی شخصیت راوی

بررسی شخصیت مؤلف و راوی ملاک دیگری است که عسکری در بررسی و نقد روایات تاریخی مورد دقت خویش قرارداد و گاه تعصبات قومی و سیاسی آن‌ها را در انتقال تاریخ مؤثر یافت و بدین طریق صحت و سقم نقلیات آن‌ها را به بوتۀ نقد کشید چرا که «عدم اطمینان به شخصیت راوی موجب سلب اعتماد از سخن گوینده می‌شود» (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۷۷) وی با غوطه‌ور شدن در تاریخ زندگی راویان به شناسایی هویت فردی و خانوادگی آن‌ها، تمایلات شخصی و قبیله‌ای، گرایش‌های خاص مذهبی و عرفانی، اعتقادات و نحل‌های فکری، وابستگی‌های سیاسی و اجتماعی و موقعیت علمی راوی و مورخ واقف گشت و تأثیر این صفات را در ضبط و انتقال تاریخ مورد بررسی قرار داد. برای نمونه، وی در توصیف شخصیت عائشه، وی را از مکثرین روایات یافت که بالغ بر ۲۲۱۰ حدیث از نخستین روز وحی بر رسول خدا در مکه تا واپسین لحظات عمر پیامبر از طریق وی نقل شده و در تمام مصادر معتبر تاریخی و فقهی پیروان

مکتب خلفاء راه یافته است.

از نظر عسکری عموم نویسندگان و دانشمندان که به بحث پیرامون وقایع صدر اسلام بویژه زندگانی رسول خدا پرداخته‌اند، اعم از مستشرقین، و مسلمانان (به‌جز دانشمندان شیعه) راهنمای آنان همین احادیث عائشه بوده است. از این‌رو، لازم دانست احادیث وی را که یکی از منابع مهم تاریخ صدر اسلام است، بی‌طرفانه و تنها برای درک حقیقت مورد مطالعه و ارزیابی خویش قرار دهد (عسکری، ۱۳۷۷ش - ب، ۱/۳۳) و برای آن که یک تحقیق صد درصد علمی داشته باشد به عواطف خود در مورد احترامی که برای عائشه به‌دلیل همسری با رسول‌خدا قائل بود مجالی ندهد و شخصیت‌های محترم اسلامی را که در بحث پای‌شان به میان کشیده می‌شود از دیگران فرقی نگذارد (عسکری، ۱۳۷۷ش - ب، ۱/۳۲).

از این‌رو، ملاحظات خویش را متوجه عائشه کرد و به امید انتفاع پژوهندگان حقائق تاریخ صدر اسلام، تفسیر قرآن و احکام به تحقیق و بررسی تاریخ زندگی، موقعیت سیاسی و اجتماعی، طرز تفکر و بالاخره روحیات وی که در ارزیابی احادیثش تأثیر بسزایی دارد، پرداخت و پس از تتبع در تاریخ، زندگی پرماجرای عائشه را سه فصل حساس و پرغوغا (دوران حکومت عثمان، دوران حکومت علی (ع) و دوران حکومت معاویه) تقسیم کرد و دریافت که وی نقش‌آفرینی‌های قابل توجهی در بسترسازی تاریخ اسلام داشته است. از طرفی شخصیت وی را قوی و آشنا به جلب افکار مردم همراه با نبوغ سیاسی و فکری و سخنوری خاص یافت که سخت غیرتمند و متعصب نسبت به حفظ منافع و مصالح بستگان و خانواده خود از قبیلۀ تمیم بود. بخصوص خطبه‌هایی که از وی در مدح و ثنای پدرش نقل شده و کوشش‌هایی که برای به خلافت رسیدن عموزاده‌اش طلحه انجام داده است (عسکری، ۱۳۷۷ش - ب، ۳/۲۲۵) به نقل از ابن‌عبد ربه، ۱۴۰۴ق، ۳/۱۰۲).

سید مرتضی عسکری احتمال می‌دهد شاید به‌دلیل همین وابستگی، علائق و تعصبات خانوادگی است که بخشی از تاریخ توسط وی دچار دگرگونی گردید و حتی برخی از حدود و مقررات زیر پا نهاده شد و حق و باطل بهم درآمیخت. البته، وی به موقعیت خاص عائشه هم‌چون همسر پیامبر (ص) و نیز جایگاه ویژه او در نزد اهل سنت واقف بود، از همین رو به جهت حفظ حرمت و جایگاهش در میان مسلمانان برای رفع اتهام وضع حدیث از وی احتمال دیگری را مطرح کرد و آن احتمال بهره‌گیری از موقعیت ویژه عائشه در نزد عامۀ مسلمانان بوده است که پس از صدور بخشنامه معاویه

و تدارک و تجهیز قدرت اموی برای جعل حدیث افرادی مانند عروة بن زبیر را به طمع انداخت تا روایاتی جعل کنند و سپس آن‌ها را به عائشه نسبت دهند (عسکری، ۱۴۱۸ق، ۲/۳۰۴-۳۰۵).

۲. نقد بیرونی با محوریت کتاب

از آن‌جا که اعتبارسنجی کتاب بی تردید در اعتماد یا عدم‌اعتماد به محتوای کتاب مؤثر است، عسکری را برآن داشت تا در نقد بیرونی علاوه بر نقد سند روایات، اعتبار کتاب‌های روایی و تاریخی را هم مورد تتبع خویش قرار دهد. وی در ارزیابی اعتبارمنابع چند راه در پیش گرفت که اکنون درباره آن‌ها بحث می‌کنیم.

الف) بررسی وثاقت مؤلف و صحت محتوای کتاب

با توجه به آن‌که هر اثری گرچه تاریخی حتی اگر به ظاهر یک اثر توصیفی صرف هم باشد اندیشه مؤلف را در درون خود نهفته دارد، عسکری مصمم شد تا مورخان را در سه گروه حقیقت‌گرا، تعصب‌گرا، غفلت‌گرا تقسیم‌بندی نماید.

گروه اول مورخانی که در نوشته‌های خود رویدادهای اصیل را نوشته‌اند.

گروه دوم تاریخ‌نویسانی که از مسیر حق منحرف شده و زبان به غیرعدالت گشوده و از هوای نفسشان پیروی کرده و به اغراض مختلف سیاسی، تعصب قبیله‌ای یا تعصب مذهبی تغییراتی در تاریخ وارد کرده‌اند تا در خدمت حاکمان جائر قرار گیرند. در این صورت است که خلفا نیز آن‌ها را تحت پوشش حمایتی خویش قرار دادند و قدرت‌های وقت در بهره‌برداری هر چه بیش‌تر از یک چنین وسیله‌ای سعی کردند و در تأیید و تثبیت یک چنین پشتوانه‌ای تمام نیرو و قدرت خود را به کار بردند. گروه سوم مورخانی اند که از روی غفلت سبب انتقال تحریفات بودند (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۲۱).

از این‌رو ست که وی به دقت مؤلف در به کارگیری قواعد علمی کتاب توجه کرد. برای نمونه، با غور در کتاب *تاریخ الامم والملوک* طبری که معتبرترین اثر تاریخی در میان عامه مسلمانان است و مورخان بزرگی مانند ابن‌اثیر و ابن‌خلدون این کتاب را مورد وثوق و فصل‌الخطاب اختلافات تاریخی می‌دانند، بدین نتایج دست یافت که مورخ و مفسر مشهور سده سوم دقت خود را در انتقال تاریخ از دست داده است و علاوه بر اعتماد به راویان غیر معتمد، بخشی از سنت و سیره رسول‌خدا را که با سیاست چیرگان حاکم در تضاد بوده کتمان کرده است (عسکری،

۱۳۸۸ش، ۵۲۰-۱^۱

وی با تتبع در آثار طبری دریافت که وی علاوه بر تاریخ در روایات تفسیری نیز تصرف کرده، و مثلاً با جایگزینی لفظ «کذا و کذا» بجای «وصی و خلیفتی» ذیل آیه «وَ أَنْذَرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء/ ۲۱۴) خلافت علی بن ابی‌طالب را کتمان کرده است (عسکری، ۱۳۸۸ش، ۸/ ۴۶۰ به نقل از طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۹/ ۷۲-۷۵) و آن را چنین توجیه کرده است که مردم تحمل شنیدن حقایق را ندارند.

عسکری پس از کنکاش عمیق در آثار طبری او را فردی یافت که حتی سلیقه شخصی را بر امانت‌داری ترجیح داده و فقط به گفتن جمله «ما بازگفتن آن را خوش نداریم» (طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۱۸۴) بسنده کرده است. برای نمونه، در بیان حوادث و ماجراهای سال ۳۰ق به حذف سخنان میان ابوذر و عثمان و نیز ماجرای تبعید این صحابی رسول‌خدا توسط خلیفه سوم پرداخته و با سوگیری شدیدی در دفاع از مکتب خلفا حقانیت ابوذر را مخفی کرده است (طبری، ۱۳۸۷ق، ۴/ ۲۸۳) و به این بهانه که خلفا، صحابه رسول‌خدا هستند و یادآوری آن‌چه به انتقاد از آنان بینجامد صحیح نیست، در تاریخ دخل و تصرف کرده است (عسکری، ۱۳۸۸ش، ۸/ ۵۲۱).

مرتضی‌عسکری در نهایت به تحریفات گسترده‌ای از سوی طبری دست یافت و به این نتیجه رسید که طبری در نوشتن روایات راستین تعمد داشته، از همین رو او را نسبت به این موضوع متهم دانسته است (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۲/ ۳۶۱).

به هر حال پژوهش‌ها و تحقیقات وی موجب شد کتاب *تاریخ طبری* که امام و پیشوای عموم تاریخ‌نویسان بود و در وثاقت آن شکی در میان علماء اهل سنت وجود نداشت، پس از قرن‌ها مورد مذاقه علماء قرار گیرد.

وی با تتبعات خویش در تاریخ دریافت، گاه به صورت سهوی و در اثر بی‌دقتی مؤلف تحریفی در تاریخ راه یافته است. برای نمونه در شناسایی میزان وثاقت فردی به نام عبدالله بن سبأ در کتاب‌های رجالی، با مراجعه به بالغ از صد کتاب حدیث و رجال به غیرواقعی بودن وی دست یافت. سپس در بررسی نفوذ نام وی به کتاب‌های رجالی شیعه متوجه شد که نخستین بار نام وی توسط کشی در کتاب *معرفة رجال الناقلین عن الائمة المعصومین* وارد شده، از همین رو لازم دانست کتاب کشی و روایات آن را مورد ارزیابی قرار دهد. پس با مراجعه به رجال نجاشی ذیل کشی به شناسایی وی و استادش عیاشی پرداخت و در نهایت به این نتیجه رسید که شاگرد و

استاد هر دو افراد مورد وثوقی هستند که در نقل خبر از افراد ضعیف بی دقت بوده‌اند. در شرح حال عیاشی، استاد کشی نیز آورد که او از افراد ضعیف و غیرقابل اطمینان زیاد روایت نقل کرده و ابتدا از نظر عقیده و مذهب پیرو مکتب تسنن بوده است از همین رو احادیث اهل سنت را زیاد شنیده و بدین خاطر از این نوع احادیث فراوان نقل کرده است (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۳/۶۱۵).

وی در نهایت بدین نتیجه رسید که روایات بی‌اساس در لابلای مطالب کتاب کشی وارد شده است و هیچ گونه اعتمادی بر مطالب این کتاب نمی‌توان کرد مگر آن که دلیلی غیر از کتاب کشی بر صحت مطلب نقل شده، اقامه شود (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۲/۱۸۰).

ب) بررسی نسبت کتاب به مؤلف آن

وی اغلب صحت انتساب کتاب به نویسنده را نیز تحلیل می‌کرد. البته، صحت انتساب تألیف بیانگر صحت محتوای کتاب نیست؛ همان گونه که ممکن است کتابی حاوی مطالب ارزنده و مهمی باشد؛ در حالی که مؤلف آن ناشناخته است و نباید به دلیل مجهول بودن نویسنده، کتاب را کنار گذاشت. با این حال، می‌توان با بررسی نسبت اثر به مؤلفی گاه پرده از جعل برداشت.

برای نمونه، وی در مورد کتاب *الامامة والسیاسة* یا *تاریخ الخلفاء* تألیف ابن قتیبة دینوری آورد که چون بعضی در صحت نسبت این کتاب به مؤلفش شک و تردید نموده‌اند از این رو، این کتاب به تنهایی محل مراجعه وی نبوده است؛ مگر آنچه را در کتاب‌های مورد وثوق دیگر یافته باشد (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۳/۸۶۸). همچنین در بررسی صحت روایات موجود در کتاب *تفسیر فوات* مؤلف را ناشناخته دانست و کتاب را حاوی روایات واقفیه و زیدیه و تبعیت از مکتب خلفاء یافت (عسکری، ۱۳۷۴ش، ۳/۲۲۶).

پ) بررسی وحدت یا تعدد نسخ

تعدد و وحدت نسخ یک کتاب نیز از دیگر مواردی است که عسکری در نقد بیرونی روایات به آن توجه نمود. وی پس از بررسی‌ها و تتبعات خویش علت تعدد نسخه‌ها را سه عامل دانست. اول آن که تجدیدنظرهای مکرر مؤلف به دلیل تشکیک و ضعف علمی نویسنده بوده است. مانند نسخه‌های متعدد موطأ اثر مالک بن انس.

دوم، به دلیل این که جمع کتاب پس از وفات مؤلف و بدون نظارت وی بوده است؛ مانند *اصل سلیم بن قیس* - از یاران علی (ع) - که علماء حدیث و رجال تصریح به عدم اعتماد به تمام روایات این اصل دارند چرا که کتاب منسوب به او پس از وفاتش منتشر گردید و وی در زمان

حیاتش نظارتی بر کل کتاب نداشته است. از همین رو به نقل از شیخ مفید این کتاب را غیر قابل اعتماد دانست که عمل به اکثر آن به دلیل تخیل و تدلیس جایز نیست و با ذکر سخن صاحب *الذریعه* درباره *اصل سلیم بن قیس* علت تفاوت در نسخ مربوط به سند افتتاحیه و مقدار احادیث یافت (عسکری، ۱۳۸۷ش، ۱۷۶-۱۷۷ به نقل از آغابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق/ ۲/ ۱۵۲-۱۵۹؛ همو، ۱۳۷۴ش، ۳/ ۶۶ و ۱۷۰ و ۲۲۶).

عسکری علت سوم تعدد نسخه‌های یک کتاب را تضادهایی دانست که از سوی نسخه‌برداران کتاب ایجاد شده است. برای نمونه، در طی مقارنه روایات کتاب *الحجة باب «ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم»* از کتاب *الکافی* در مورد تعداد امامان به روایات متفاوتی برخورد که برخی تعداد امامان را دوازده و برخی سیزده امام ذکر کرده بودند. از آنجا که موضوع تعداد امامان را شیخ مفید در *الارشاد و طبری در اعلام الوری و کلینی در الکافی* به نقل از اصل *العصری* دوازده نفر آورده‌اند. عسکری با تتبع در نسخه خطی اصل *عصری* موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران پرداخت و دریافت که در این اصل تعداد امامان از نسل علی (ع) یازده نفر اند؛ چنان‌که در *مستدرک الوسائل و الذریعه* نیز چنین آمده است (عسکری، ۱۳۸۸ش، ۳/ ۳۴۳-۳۴۲).

سپس عسکری با تحقیقات خویش متوجه شد که اشتباه در نسخه چاپی *الکافی* از سوی نسخ‌نویس بعد از زمان شیخ مفید به وجود آمده، و تا زمان شیخ مفید چنین اشتباهی رخ نداده است (عسکری، ۱۳۷۴ش، ۳/ ۲۲). نسخه‌بردار در نسخه *الکافی* روایاتی که دلالت بر وجود دوازده امام می‌کند را به روایاتی که جمله «من ولدها» آمده اضافه کرده، و این اشتباه موجب گردیده است چنین تصور شود که اوصیاء پیامبر اکرم (ص)، امام علی با دوازده نفر از فرزندان اویند (عسکری، ۱۳۸۸ش، ۳/ ۳۴۰).

۳. نقد درونی روایات

نقد درونی دربرگیرنده مجموعه‌ای از معیارهایی است که در بررسی متن حدیث مورد توجه قرار می‌گیرند این امر موجب شد تا حدیث‌پژوهان معیارهایی را برای ارزیابی صحت و سقم متن حدیث تعیین نمایند. از جمله این ملاک‌ها موافقت روایت با تاریخ معتبر است. با مطالعه آثار سیدمرتضی عسکری می‌توان دریافت که نقد تاریخی یکی از مهم‌ترین معیارهای وی در بررسی متن اخبار است. در این قسمت با ذکر نمونه‌هایی به شیوه وی در نقد متن حدیث پرداخته می‌شود.

الف) سنجش روایات با حوادث مسلم تاریخی

عدم مخالفت حدیث با حقایق تاریخی شناخته شده در عصر پیامبر (ص) از جمله معیارهای سنجش صحت حدیث است (الحاج حسن، ۱۴۰۵ق، ۲/ ۳۸). مرتضی عسکری در سنجش صحت متن روایات، تاریخ قطعی را معیار سنجش صحت و سقم خبر قرار داد. لازم به ذکر است وقایع تاریخی زمانی که از قطعیت لازم برخوردار باشند می‌تواند میزان سنجش صحت حدیث باشد. ناهماهنگی اطلاعات تاریخی در بسیاری موارد مانع بهره‌برداری شایسته از تاریخ شده و از این روست که باید گفت تاریخ‌سرایی به جای تاریخ‌نگاری موجب پنهان ماندن حقایق تاریخی گردیده است. حال از آن جا که شناخت رجال حدیث و فهم روایات با تاریخ اسلام پیوند خورده، گستره کارآیی این معیار، وسیع و حائز اهمیت است در حالی که به دلیل عدم اطمینان به آموزه‌های تاریخ کاربرد این ملاک بسیار محدود شده است.

در این شرایط عسکری خود را بر آن داشت تا نقد حقیقی و سازنده‌ای مبتنی بر آداب و روشمندی علمی در تاریخ داشته باشد و با اتخاذ بی طرفی کامل و خروج از هر موضع‌گیری قبلی در برابر رویدادهای تاریخی و شخصیت‌های آن با دیده حقیقین به آن واقعه بنگرد. وی مسلمات تاریخی را مستند نقد خود از روایات قرار داد و در این اباحت، استناد به قدیم‌ترین منابع تاریخی کرد و از اشخاصی که پس از سال پانصد هجری بودند چیزی نقل نکرد مگر آن‌چه را که ریشه و اصلش از آن زمان نزد متقدمین بوده است و فقط شرح و بیان را نزد آن‌هایی که بعد آمده‌اند، یافته باشد (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۲۸) مثلاً روایات احراق مرتدین توسط علی بن ابی‌طالب که در کتاب‌های صحیح بخاری و فتح الباری ابن‌حجر وارد شده حکایت از این می‌کند که علی (ع) زنداقه و کسانی را که درباره وی غلو کرده و به الوهیتش معتقد گردیده بودند، سوزانیده است. سید مرتضی عسکری این خبر را با وجود اهمیت موضوع در هیچ‌یک از کتاب‌های تاریخی نیافت از همین‌رو بیان داشت چگونه این حوادث با وجود اهمیت بر مورخین پوشیده مانده است (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۶۳۷) سپس با تتبع در کتب مشهورترین و با سابقه‌ترین تاریخ‌نگاران به ذکر نام مورخانی پرداخت که در کتاب‌های خود کوچک‌ترین اشاره‌ای به این حوادث و سوزاندن افراد نکرده‌اند؛ مانند خلیفه بن خیاط، یعقوبی، طبری، ابن‌اثیر، ابن‌کثیر و ابن‌خلدون (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۶۴۳-۶۴۴).

وی در نقد روایات تحریم ازدواج موقت نیز با مراجعه به کتاب‌های تاریخی آورد که مخالفان

حلیت متعه در نقل این روایت از قول سعید بن جبیر بر هم پیشی گرفتند و فراموش کردند که سعید بن جبیر همان کسی است که در مکه ازدواج موقت کرد (عسکری، ۱۳۷۷ش - الف، / ۳۸۶؛ برای منبع وی، نک: صنعانی، ۱۳۹۰ق، / ۷؛ ۴۹۶؛ ابن‌قدمه، ۱۳۸۸ق، / ۷؛ ۵۷۱).

عسکری به سال وقوع حوادث نیز دقت وافر داشت و با توجه به سال‌شمار وقایع تاریخی به نتایج ارزشمندی از جمله ساختگی بودن روایت فراوانی دست یافت. از جمله فتح ابله که شهری در کنار رود دجله نزدیک بصره بود در کتاب طبری در زمان ابوبکر به سال ۱۲هجری به فرماندهی خالد قهرمان مضر ذکر شده است (عسکری، ۱۴۱۷ق، / ۱؛ ۳۰۴ به نقل از طبری، ۱۳۸۷ق، / ۲؛ ۵۵۶) در حالی که وی با تحقیقات تاریخی خویش فتح ابله را در زمان عمر به سال ۱۴ از هجرت و به فرماندهی عتبه بن غزوان یافت. بدین ترتیب در کتاب طبری هم سال وقوع و هم نام فرمانده و هم نام خلیفه وقت را صحیح نیافت (عسکری، ۱۳۷۵ش، / ۱؛ ۳۷۴).

ب) توجه به تثبیت متن

دستیابی به متن اصیل و خالی از تصحیف و اشتباه که علماء درایة الحدیث از آن با عنوان عدم اضطراب روایت یاد می‌کنند، مورد توجه محدثان بوده و هر گاه حدیثی گرفتار این مشکل می‌شد به تصحیح آن می‌پرداختند (میر جلیلی، ۱۳۹۰ش، / ۶۲).

در علم حدیث‌شناسی روایتی که در متن یا سند آن چندگانگی اتفاق افتاده باشد، به طوری که یکبار به گونه‌ای و باری دیگر به گونه‌ای دیگر نقل شده باشد مضطرب نامند (کرکی، ۱۴۱۴ق، / ۱؛ ۲۸۳؛ نصیری، ۱۳۸۳ش، / ۲؛ ۷۳).

توجه به تثبیت متن و رفع اضطراب از روایت یکی دیگر از مواردی است که عسکری در نقد روایات لحاظ کرد. برای نمونه، طی مطالعات خویش ذیل سبب نزول سوره تحریم روایاتی از عائشه در کتاب‌های صحیح بخاری و صحیح مسلم و دیگر کتاب‌های روایی اعم از صحاح، مسانید و تفاسیر یافت که متن روایات با آن که راوی ثابت است، دارای تزلزل است و محتوای یک واقعه تاریخی به اشکال متفاوت از یک راوی نقل شده است (عسکری، ۱۳۷۷ش - ب، / ۴؛ ۷۷-۹۹ به نقل از بخاری، ۱۴۱۰ق، / ۴؛ ۱۳۶-۱۳۷، / ۳؛ ۲۷۱؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، / ۲؛ ۱۱۰۱؛ احمد بن حنبل، ۱۳۱۲ق، / ۶؛ ۵۹؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۶ق، / ۸؛ ۸۵، / ۲؛ ۱۷۰؛ قرطبی، ۴۰۵ق، / ۱؛ ۱۸ / ۱۷۸-۱۷۷).

با رؤیت این اختلافات بود که وی در رفع اضطراب به احادیث راویان دیگری مراجعه کرد تا شاید غموض و پیچیدگی این روایات را بر طرف نماید. پس با تتبعات خویش در بررسی آراء

مفسران و صاحبان مسند و صحاح و سیره^۳ به این نتیجه رسید که اجماع روایات متواتر مخالف روایات عائشه است (عسکری، ۱۳۷۷ش - ب، ۴ / ۱۰۸-۸۶ به نقل از مسلم، ۱۴۱۲ق، ۲ / ۱۱۱۰-۱۱۱۱؛ طبالسی، ۱۳۲۱ق / ۶ح ۲۳؛ نسائی، ۱۴۰۷ق، ۴ / ۱۳۷؛ ترمذی، ۱۳۹۲ق، ۱۲ / ۲۰۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ۸ / ۱۸۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۱۸ / ۱۸۹؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ۲ / ۳۳۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۲ / ۴۹۳).

پ) بررسی وثاقت متن از جهت تقطیع و تخلیط

پاره‌ای از احادیث که شامل احکام مختلف یا موضوعات متنوعی بودند به جهت تبویب روایات توسط افرادی که دارای صلاحیت علمی هستند، تقطیع می‌شدند. البته، گاه تقطیع به شکلی نادرست انجام می‌گرفت که خواه سهوی یا عمدی یکی از آسیب‌های شایع مواد پژوهشی است که در پی آن، معنای اصلی محفوظ نمانده و قرائن سیاقی و مقامی خبر حذف می‌شدند و ارتباط آن با سایر قسمت‌های روایت از میان می‌رفت و در نتیجه موجب بدفهمی و تحریف روایت می‌شد (مسعودی، ۱۳۹۸ش، ۱ / ۱۰۰-۱۰۳).

عسکری با در نظر گرفتن این موضوع به بررسی اخبار پرداخت و با مقایسه اخبار مشترک میان دو سیره ابن اسحاق و ابن هشام به تقطیع عمدی روایات توسط ابن هشام در مقایسه با سیره ابن اسحاق دست یافت. مثلاً خبر دعوت و فراخوانی رسول خدا از فرزندان عبدالمطلب توسط ابن هشام تقطیع گردید با ذکر این بهانه که «روایات دعوت خویشاوندان بر هیئت حاکمه خلافت ناخوشایند است» (عسکری، ۱۳۸۸ش، ۱ / ۴۵۹ به نقل از مقدمه حسین هیکل بر سیره ابن هشام) البته، ثمره این تبعیت از خلفاء مفقود شدن سیره ابن اسحاق و شهرت یافتن سیره ابن هشام گردید.

گاه این تقطیع عمدی خبر توسط راوی اتفاق می‌افتاد. برای نمونه عسکری در بررسی وقایع رحلت پیامبر با مراجعه به کتاب صحیح بخاری، روایتی از عائشه آورد که وی گفت: «هنگامی که رسول خدا بیمار شد و... پس در حالی بیرون آمد که به کمک دو مرد راه می‌رفت و پاهایش بر زمین کشیده می‌شد. یکی از آنها عباس بن عبدالمطلب بود و آن یکی مردی دیگر». استاد با توجه به زوایای پنهان این حادثه تاریخی آورد که مشخص نیست آن مرد دیگر چه کسی بوده است. سپس به روایت عبیدالله - راوی حدیث - دست یافت که وی زمانی که این حدیث را برای ابن عباس بازگو کرد ابن عباس بیان کرد که آن مرد علی بود ولی جان عائشه از او خشنود نبود و نامش را نبرد (بخاری ۱۴۱۰ق، ۴ / ۹؛ احمد بن حنبل، ۱۳۱۲ق، ۶ / ۲۲۸).

تخلیط موضوع دیگری در علم الحدیث است و مراد از آن این است که شخص، بدون غرض عقلایی، متن حدیث یا سند روایت را به گونه‌ای بیاورد که بخشی را مقدم و بخشی را مؤخر کند یا به صورت کم یا زیاد بیاورد (غوری، ۱۴۲۸ق، ۲۲۰) توجه به تخلیط روایات از دیگر اموری است که عسکری در بررسی روایات آن را لحاظ کرده است. وی در تحقیقات خویش به این نکته دست یافت که شیخ طوسی به اشتباه گاه اخبار متعلق به شخصی را در شرح حال شخص دیگری آورده یا طبقه‌ای از راویان را در طبقه‌ای دیگر ذکر کرده، مثلاً اخبار ابوبصیرلیث مرادی را سهواً تخلیط کرده و در ترجمه ابوبصیریحیی اسدی ذکر کرده یا اخبار ابوبصیریحیی را با علی‌با اسدی اشتباه کرده و در ضمن ترجمه ابوبصیرعبدالله فرزند محمد اسدی آورده است (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۲/ ۱۷۹).

عسکری در بیان اشتباهی دیگر از سوی شیخ طوسی آورده که وی در بحث از *رجال* کشی در شرح حال ابوالخطاب ۲۳ خبر آورده است در حالی که این اخبار به صاحب این ترجمه هیچ ربطی ندارد و عالمی مانند قهپائی که در کتاب خود به اشتباه آن اخبار را در ترجمه ابوالخطاب آورده، سپس متوجه خطای خود شده، و از این‌رو، آن اخبار را قلم زده است (عسکری، ۱۳۷۵ش - الف، ۲/ ۱۸۰).

ت) توجه به سیر تاریخی پیدایش فرقه‌ها و عقاید

یکی دیگر از روش‌های نقد تاریخی احادیث در آثار عسکری، شناخت فرقه‌ها، پیدایش و اهداف آن‌هاست که در مسیر مطالعه حدیث و شناخت اخبار صحیح از سقیم راهگشا بوده است. وی برای کشف حقایق تاریخی، پیدایش فرقه‌ها و عملکرد آن‌ها را دنبال کرد. برای نمونه، درباره نحوه پیدایش فرقه سبئیه طی تحقیقات خود بدین موضوع دست یافت که سبئیان یا قحطانیان نام گروهی بوده است که قبل از اسلام از یمن به مدینه آمده بودند و در صدر اسلام انصار نامیده شدند؛ ولی بعداً این کلمه از انتساب به یک گروه، تحریف گردید و به معنای انتساب به یک مذهب تازه‌ای به کار رفت که در واقع چنین مذهبی در میان مسلمانان وجود نداشت و به مرور ملجأ اکثر مفاسد و شرور شد از قتل عثمان گرفته تا شعله ور شدن جنگ جمل و غیره به پای این گروه بسته شد و در کنار آن برخی از عقاید مهم شیعه مانند رجعت تا افکار باطلی مانند الوهیت علی بن ابی‌طالب را به اینان نسبت دادند. شهرت فرقه سبئیه موجب شد تا تاریخ نگاری مانند سعد بن عبد الله اشعری نیز در کتاب خود *المقالات و الفرق* که به بررسی فرقه‌ها و گروه‌های غالی و تندگرای اسلامی پرداخته فرقه ساختگی سبئیه را اولین گروهی معرفی کرده است که غلو کردند و

راه افراط و تندروری را پیمودند. از این رو، عسکری آورده است هیچ کس چنین گروه مذهبی را با آن خصوصیات و عقایدی که علماء ملل و نحل پس از چند سده تراشیده‌اند و در کتاب‌های شان ضبط کرده‌اند، نمی‌شناخته است (عسکری، ۱۴۱۷ق، ۳/۷۹۳).

نتایج

مطالعه کنونی به هدف شناخت روش نقد روایات با معیار تاریخ توسط سید مرتضی عسکری صورت گرفت. بر این منظور روش وی در بهره‌گیری از ملاک تاریخ به صورت نقد بیرونی و درونی است که همراه با تحلیل، مقایسه و تکیه بر اسناد است.

با تتبع در آثار وی می‌توان یکی از مراحل نقد تاریخی را نقد بیرونی دانست که بر دو محور نقد راوی و نقد کتاب استوار است. در نقد راوی به بررسی میزان وثاقت و امکان حضور و سماع وی در واقعه تاریخی پرداخت تا مشخص شود گزارش او از تاریخ تا چه میزانی می‌تواند با حقیقت همراه باشد. در این میان تأثیر روحیات و تمایلات شخصی و قبیله‌ای، گرایش‌های خاص مذهبی و وابستگی‌های سیاسی برخی از راویان را در دگرگونی تاریخ مؤثر دانست.

تتبعات وی در دستیابی به حقایق تاریخی منجر به کشف ساختگی بودن اصحابی شد که در هیچ کتاب رجالی نامی از این افراد برده نشده است. از این رو، به تألیف کتاب‌های *عبد الله بن سبأ و خمسون و مائة صحابی مختلق* اقدام کرد.

در نقد بیرونی با محوریت کتاب اتصاف مؤلف به بیان حقایق، تدوین کتاب توسط مؤلف و تعدد و وحدت نسخ را در نظر داشت. در طی این مطالعات، وی علاوه بر سنجش اعتبار کتاب به این نتیجه رسید که برخی از مؤلفان دست به تصرف و اعمال سلايق شخصی در نقل روایات زده‌اند. در نقد درونی روایات نیز، به مطابقت روایت با معیار تاریخ مسلم توجه کرد و با مقایسه منابع تاریخی و تشکیل خانواده حدیث به مواردی مانند تقطیع، تخلیط و تحریف دست یافت. نیز، کوشید روایات فراوانی را که در قدیم‌ترین و معتبرترین کتاب‌ها راه یافته بود تحلیل، و شواهدی حاکی از ساختگی بودن آن‌ها ارائه کند.

منابع

— علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۴۰۷ق)، شرح نهج البلاغه، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالجمیل.
- ۲- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابه*، بیروت، دار الفکر.
- ۳- _____ (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ۴- ابن حجر عسقلانی (۱۳۲۵ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارصادر.
- ۵- _____ (۱۴۰۶ق)، *تقریب التهذیب*، سوریا، دار الرشید.
- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۰۶ق)، *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، دارالفکر.
- ۷- ابن سعد (۱۴۱۶ق)، *طبقات الصحابه و التابعین و العلماء (الطبقات الكبرى)*، الطائف، مکتبه الصدیق.
- ۸- ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق)، *العقد الفرید*، بیروت، ج جمالیه.
- ۹- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق (مشهور به تاریخ ابن عساکر)*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ۱۰- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، *الامامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، محقق علی الشیری، بیروت، دارالاضواء.
- ۱۱- ابن قدامة، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق)، *المغنی لابن قدامة*، به کوشش عبدالرحمان بن محمد و ابن قدامة مقدسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا)، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر.
- ۱۳- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید بن عبدالله (۱۳۷۳ق)، *سنن ابن ماجه*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۴- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۵۶ق)، *السیرة النبویة لابن هشام*، به کوشش مصطفی سقا، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۵- ابوداود سجستانی، سلیمان بن الاشعث (۱۴۱۱ق)، *السنن*، محقق صدقی جمیل العطار،

بیروت، دارالفکر.

- ١٦- آقابزرگ تهرانی (١٤٠٣ق)، *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء.
- ١٧- بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤١٠ق)، *الجامع اللصحیح*، قاهره، دار احیاء کتب السنه.
- ١٨- ترمذی، محمد بن عیسی (١٣٩٢ق)، *سنن الترمذی*، به کوشش احمد شاکر، قاهره، دارالحدیث.
- ١٩- حاج حسن، حسین (١٤٠٥ق)، *نقد الحدیث فی علم الروایة و الدرایة*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ٢٠- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ٢١- حلوی، علی (١٣٨٠ش)، *تیسیر الوصول الی مطالب کفایة الاصول*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ٢٢- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز (١٤١٨ق)، *المغنی فی الضعفاء*، محقق ابی الزهراء حازم القاضی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ٢٣- سلیمان بن داوود (١٣٨٥ش)، *فقه الحدیث و نقد الحدیث: روش شناسی نقد و فهم سنت*، تهران، فرهنگ و دانش.
- ٢٤- احمد بن حنبل (١٣١٢ق)، *المسند*، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، احیاء کتب السنه.
- ٢٥- صنعانی، عبدالرزاق بن همّام (١٣٩٠ق)، *المصنف*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، حیدرآباد دکن، منشورات المجلس العلمی.
- ٢٦- طبری، محمد بن جریر (١٣٨٧ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف.
- ٢٧- _____ (١٤١٢ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالفکر.
- ٢٨- طیالسی، سلیمان بن داوود (١٣٢١ق)، *المسند*، به کوشش محمد بن عبدالمحسن ترکی، قاهره، دار هجر.
- ٢٩- عتر، نورالدین (١٤١٢ق)، *المصنف منهج النقد فی علوم الحدیث*، دمشق، دارالفکر.
- ٣٠- عسکری، مرتضی (١٤١٤ق)، *خمسون و مائة صحابی مختلق*، قم، کلیة اصول الدین.

- ۳۱- _____ (۱۴۱۷ق)، عبد الله بن سبأ و اساطیر الاخری، طهران، المجمع العلمی الاسلامی.
- ۳۲- _____ (۱۴۱۸ق)، احادیث ام المؤمنین عائشه، المجمع العلمی الاسلامی، طهران.
- ۳۳- _____ (۱۳۷۴ش)، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، مجمع علمی اسلامی.
- ۳۴- _____ (۱۳۷۵ش)، عبد الله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، تهران، مجمع علمی اسلامی.
- ۳۵- _____ (۱۳۷۵ش)، نقش ائمه در احیای دین، تهران، مجمع علمی اسلامی.
- ۳۶- _____ (۱۳۷۷ش)، برگستره کتاب و سنت، ترجمه محمدجواد کرمی، تهران، نشر مجمع علمی اسلامی.
- ۳۷- _____ (۱۳۷۷ش)، نقش عائشه در تاریخ اسلام، ترجمه هاشم هریسی و محمد علی جاودان، تهران، انتشارات منیر.
- ۳۸- _____ (۱۳۷۸ش)، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه عظامحمد سردارنیا، قم، نشر دانشکده اصول‌الدین.
- ۳۹- _____ (۱۳۸۷ش)، تهمت‌ها و دروغ پردازی‌ها در کتاب‌های تم‌للتاریخ، ترجمه محمد جواد کرمی، قم، دانشکده اصول‌الدین.
- ۴۰- _____ (۱۳۸۸ش)، بازشناسی دو مکتب، ترجمه مهدی دشتی، قم، دانشکده اصول دین.
- ۴۱- _____ (۱۳۹۲ش)، مصاحبه با محمد علی جاودان، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت پژوهش.
- ۴۲- غوری، عبدالمجد (۱۴۲۸ق)، معجم المصطلحات الحدیثیه، دمشق، دارابن‌کثیر.
- ۴۳- قرطبی، علی بن احمد (۱۴۰۵ق)، تفسیر القرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، به کوشش احمد عبدالعلیم البرودنی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۴۴- کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل

البيت (ع).

- ۴۵- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، *مقیاس الهدایة فی علم الدراية*، به کوشش محمد رضا مامقانی، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- ۴۶- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۴۱۹ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، به کوشش محمد عمر رماطی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴۷- مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)، *الصحيح*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، دارالحدیث.
- ۴۸- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۸ش)، *آسیب شناسی حدیث*، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۹- معارف مجید (۱۳۹۴ش)، *شناخت حدیث (دفتر دوم: فهم و نقد حدیث از مبانی تا مصادیق)*، تهران، انتشارات نبأ.
- ۵۰- میر جلیلی، علی محمد (۱۳۹۰ش)، *روش و مبانی فقه الحدیث*، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۵۱- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه*، محقق موسی شبیری زنجانی، قم، النشر الاسلامی.
- ۵۲- نسائی، احمد بن شعیب النسائی (۱۴۰۷ق)، *السنن الكبرى للنسائی*، بیروت، دارالاجیل.
- ۵۳- نصیری علی (۱۳۸۳ش)، *حدیث شناسی*، قم، سنابل.